تمايز مقاطعه كاري و بيع

محمدي خورسندیان
استاد بحث حقوق خصوصي و اسلامي دانشگاه شيراز
پذيرش: 92/678
دریافت: 94/122

چکیده

در حقوق ايران، بيشتر قراردادهای مقاطعه كاری، تابع اجراه اشخاص است: اما بعضی از مصادر حقوق مقاطعه كاری، درآمده و ریشه داری است که این قرارداد را به بيع نظیری می داند. بيع، عقیده است برای انتقال مالکیت اعیان، ولی انتقال مالکیت اعیان در برابر عوض، به وسیله عقد اجراه صورت می گیرد. زمانی که مالکیتی ثابت کنند و اکثریت قراردادنگاران به آن اساس باشد و عقد مربوط اجراه اشخاص است. این تفاسیر معيار جدایی بین بيع و مقاطعه كاری است. اما در بيع، از موارد دیگر می توان به ارزیابی قرارداد مورد توجه بروز، اگر مورد توسعه سازندگی هر قرارداد بيع است و بعضی ديگر به شدت مربوط می كنند. برای مثال، در بيع، می توان به معيارهای دیگری نیز است. در این زمینه نظریه مطرح شده: بعضی گفتگو به میزان توانایی قرارداد نیاز است. در این زمینه نظریه مطرح شده: بعضی گفتگو به میزان توانایی مقاطعه کاری داشته است که بررسیهای قبلی در موضوع این قرارداد آن را مطرح کرده، بدین صورت که توجه به ارزش اقتصادی کاری را می کند. با توجه به تعهد اقتصادی، در نهایت می یک از نظریات کاسته می شود که در این زمینه به نخستین بی در میشابند اگر قصد اجرا دو عقد نداشته باشند، شرط ضمن آن وجود بهره در قرارداد اقتصادی که اگر قصد اخراج کننده نباشد یا تحت کننده را به عونان تعهد اقتصادی ای اثر عقد برتری دارد. در مورد این خصوصی قرارداد به عونان یک عقد نامتعین منطقی به نظر می رسند.

کلید واژگان: مقاطعه كاری، بيع، قرارداد ساخت، اجراه اشخاص

E-mail: mkhorsandian@yahoo.com
1 - مقدمه

مقاله‌کاری در قانون مدنی و مجموعه‌های قانونی ایران تعریف نشده است. اما نویستگان معتقدند باید حقوقی این قرارداد را اجراه اشخاص و مشمول ماده 13 قانون مدنی قانونی تلقی کنند. در حقوقه نظر این ماده 1379 قانون مدنی این کنفرانس (مقدار و ملیت)، مقالاتی انجام می‌دهد که تحت عنوان "مقاله" به آن پرداخته‌اند و در تحلیل بخش این قانون به اجراه اشخاص قرار گرفته است.

"مقاله" در راستای تعیین قطعی به عنوان اجراه اشخاص قرار گرفته است. قراردادها و مقاله‌های قانونی که به اجراه اشخاص حقوق عمومی و مؤسسات دولتی مشابه "پیمانکاری" نامیده می‌شود، این قراردادها علائم و تأثیرات حقوق عمومی است. نامناسب مقاله‌های قانونی است. در عرف کارهای این مقاله است، "کنترل" استفاده می‌شود که بخشی از حقوق این قرارداد در "contrat d'entreprise"، و "contract" برای اشاره به این قرارداد به کار می‌روند.

در مجموع در تعریف حقوقی مقاله‌کاری مردان قانون می‌گفتند: مقاله‌کاری، تعهد یک شخص به اجراه کار به طور مستقل برای شخصی دیگر در برابر عوض معین است. در این تعیین باید اجراه کار به عنوان می‌شود و خارج می‌کند. در حقوق ایران ماهیت حقوقی که به موجب این قرارداد انجام می‌شود، در قابل اجراه اشخاص قرار می‌گیرد، به هیچ‌یک از عناصر ماده 12 قانون مدنی و ملیتی که در قبال کارهای اجراه شده در "contrat d'entreprise" و "contract" است. این نویسندگان به اجراه اشخاص مavanaugh، و "contrat" و "contract" بهتر است در موارد خاص به عنوان "مقاله‌کاری" قرارداد به اشخاص شدن. حقوق ایران و کشورهایی که به آن اشاره شده، در مقاله حقوقی که به اجراه اشخاص با تلقی می‌دهند هر چند این قرارداد و عنوان مقاله مستقل از بیع است. با این حال در برخی از موضوعها، مانند عضویت که مقاله‌کاری علاوه بر تعهد به انجام کار به آن می‌پردازد، این دو عنوان مستقل با یکدیگر متناسب می‌گردد. اجراه عقدی است که به موجب آن، متفقین در برابر عوض به طرف مقابل می‌کنند (ماده 366 ق.م). این"

عقد از نظر موضوع خود به عنوان "مقاله اجراه اشخاص، اجراه جوامع و اجراه اشخاص تقسمیم
ميكرد. موضوع اجارة اشياء متفق عليها وموضوع اجارة اشخاص. عمل است. تقارت
اجارة اشخاص، واجراء اعمال جائحة حقوقية نشأت، بلغا في نظره آثار حقوقیة حاصل، ویست. برای مثال در
اجارة اشياء، مسئولی ضمانات مستأجرة نشأت، اما في تجاره اشخاص، مسئولی ضمانات مختلف
موادی است که به سروره سه است. در اجارة اشياء موخری، تکلیفی مھروی تسهیل مورد
اجارة، انعام تعمیرات، و خویداری از تجیر منافع و مستأجرات نیز مکلف است تجاره بها را به
موقع پرداخت کند. از تعمیر و تغذیه خویداری بورزود و به موقع عین را یکه کن. در اجارة
اشخاص، تکلیف اجیر عبارت است از: اجیری کار، تسهیل موضوع کار، و تکفیره و حفظ
موادی اییان سره دریده، و تکلیف صاحبکار، فیض کالا. پردازش کار و پرداخت اجرت است.
تکاوریز معاوضه و بعیض از این جهت مهم است که احکام و آثار هم یک ایان دو عقد متقارن
است. برای مثال، بعیض عقیدی یکی، معاوضه عقیدی مستمر است. بر عقید مصطلح اگر موضوع
عقد در انتیا مدت از بین برود موجب پطلان عین نسبت به زمان آنده است. اما در عقید یک
چنین نشیما. تجدیدات دیر یک آن بیان و معاوضه کار نیز با یکیکر متقارن است و قواعد خاکی
بر این دو قرارداد نیز تبادل اجای که به بیش از آنها اشاره می‌گردد. گاه قرارداد
مقاوضه کار عالوه بر بیج. اثر عقیدی چون ودیده، وکالت، جعلیه، مضادی به شرکت را نیز
بر بیج. بیان تجاوز معاوضه کاری با این عقید می‌باشد مکاله‌ای نیکر است در این مقاله پس
از طرح مسأله و بیان کانون اختلاف به بیان معاوضه‌ای جدایی در عقد ودیدگاه‌های مختلف
شده در مورد آن می‌پردازید و سرانجام به برخی از آثار تمتیم اشاره می‌کرد.

2-طرح مسأله و بیان کانون اختلاف

بیج. عقیدی است که اثر حقوقی آن انتقال مالکیت اشیاء است. بازاریان موضوع عقد بیج «عين» است.
زیرا موضوع بعضی موضوع مفرد اشیاء اشتراکی است که اثر حقوقی عقد در آن محقق می‌گردد.
اما موضوع عقد مفاضی راکاری «عمل» است و اثر عقد، بیانی تعید و تکلیف قانونی به انجام عمل
است. بازاریان. نمی‌توان عقیدی را که هدف اصلی آن انتقال منافع باشد بیج نامید.
فقها، ولی عدم جواز انتقال منافع و اعمال را به وسیله عقد بیج. این می‌دانند که نبی‌تر عرفی.
حقیقت بیج، این انتقال عین می‌دانند، به انتقال منافع، زمانی که این واره به کار می‌رود، نقل منافع
به ذهن عقل می‌باشد. نمی‌گردد، بلکه نباید برخلاف آن است. بازاریان، اما استعما بیج، شامل

132
تمایل منافق نمی‌گردد و نمی‌توان با استفاده از این قالب منافق را واکنش کرد [‌۱، ص. ۳۹، ج. ۷، ص. ۷۵۰].

با وجود این، امام خمینی به این مطلب اشاره کرده که زیرا چنین منافقتی وجود ندارد و تبدیل که ناشی از غله باشد مفید نیست. از سوی دیگر، مواردی را می‌توان یافت که عقله به فروش منافع اقتصادی می‌کنند. مثال‌های کشاورزان، حفر جدولها و شیارها را می‌فرودند با مستاجران سرقتی را واگذار می‌کنند و در نهایت منافع و حقوق، از نظر عرف می‌توانند به عنوان بیع توصیف گردد [۷، ص. ۱۴].

در حق این نظر، شاید بتوان گفت از نظر عرف میان بیع منافق و بیع حقوق تمایز است. عقله، «انتقال مالکیت حقوق»، مانند حق کسب و بیشتر و سرقتی و حق بهره برداری و حق اختراع و مانند آن را به عقله منفی بیع می‌آورد. اما از نظر منافع، و «تعهد به انجام عمل در نهایت» را بیع نامیده‌اند. البته هدفش که بخشهای اکنونی، فقط بیع را برای انتقال منافق به کار برده‌اند [۸، ج. ۱۴، ص. ۷۵۰، ص. ۳۷۵]، برای مثال در اجبار اجبار کشتن می‌توان از لفظ عرف استفاده کرد و گفت: بیجکت مثنیه الدار سنه و در بخشهای از روابط، «بیع خدمت عالمی» و «بیع سکتی دار» چاپ شده‌شده است. مثالی در روابط اجتماعی پیوسته به علی این است که راوا در مورد در هر سکتی داشته، اما مالک آن نبوده‌اند. بنابراین می‌گویند: این نوع بیع را می‌پرسند و می‌فرمایند: این اجبار نمی‌تواند قرار دهد. بهبهان معنی‌داری که نمی‌تواند فیثک سکتی، سکتی و بیجکت در تبادل یا چک می‌تواند بیجکت حسن بن محمد بن سامعی معالج با رزمار و عقب و جبهه می‌تواند این اجبار که برای استعمال منافع وضع شده عمیقاً برای نقل بخشهای از عقله، مانند نمره برای استعمال شده است، در اینجا نیز لفظ بیع در معناها تعلیق یافت و این اجباررای است.
برای ضرورت و چهار بار در این مورد مکرراً در عقد اجارة، به جای منافع، اعیان خارجی منتقل می‌گردند. در این فضای، این اشکال محترم است که عقد اجارة برای تنظیم منفعت ساخته شود و نمی‌تواند اعیان دارای حق منفعت و اشخاص اعیان خارجی به وسیله بیان امکان‌پذیر است. اما، به این اشکال پاسخ داده‌اند که منفعت در عقد اجارة به توانائی عیان خارجی باشد، چون ملاک در آنچه تجزیه را منفعت محصول کند، عرف است و عرف این اعیان را منفعت می‌دانند. بنابراین، گرچه انتقال این اعیان با عقد بیع به دلیل نامعلوم بودن مقدار و کیفیت آن نادرست است، اما انتقال آنها با عقد اجارة صحیح است [9: ج. صص 5-6].

با وجود این، مرجوع خودی این عقیده را که میرضی و شرط دارد و آق چهار عرف منفعت محصول گردید نمی‌پذیرد و به شکل دیگری به پاسخ اشکال می‌پردازد. وی بر این عقیده اصرار می‌بیند که آنچه مستقیماً در این عقود منتقل کرده‌اند اعیان خارجی نیست، بلکه استعدادها و قابلیت‌های آنها و اشخاص است که مربوط عقد اجارة قرارگرفته‌اند، مانند استعداد شیرده‌ی مرخصه، استعداد شرده‌ی درخت و قابلیت آب دمی چه، اما این حیات‌ها زمینی که از جای قوه به فعالیت در می‌آیند، عیان خارجی به وجوه می‌آورند که ملکیت تبعی در عقد اجارة است، پس در عقد اجارة مستقیماً ملکیت منفعت اشتهای شده است، این عیان خارجی، ملکیتی اعیان خارجی، ملکیت تبعی است و چون اعیان، تابع ملکیت منفعت هستند نمی‌توان گفت اعیان خارجی از نظر عرف عیان محصول می‌گردد؛ زیرا منفعت داردی دو معنا است: یکی در مقابل «خسارت» به معنای آنکه در تجارت به دست نمی‌آید که در این معنا اعیان خارجی منفعت عرفی است؛ اما منفعت، معنا دیگری هم دارد که در بردار (عیان) قرار دارد و روشن است که در این معنا نیم‌توان اعیان خارجی را منفعت نامیده، البته منفعت در معنا دوم شامل تمامی عوارضی ممکن ساکن بودن و سوار بودن نیز می‌گردد [12: ج. صص 349-350، 370، 371، 372، ج. صص 2-3].

در حقوق فرانسه نیز سخن از انتقال بردی از اموال غیرعایدی مانند حق جذب مشتری، اعتبار، بروقات اختیار و ایتکار و حق مؤلف به وسیله عقد بیع به دلیل می‌آید است. بعضی از اقتصاد دانان، این موارد را «بعید خدمات» نامیده‌اند؛ اما حقوق‌دانان، این نام‌گذاری را مورد تایید قرار نمی‌دهند؛ زیرا در حقوق فرانسه، عقد بیع نمی‌تواند برای خرید و فروش خدمات به کار رود. آن‌ان موارد را بیع (vente) نمی‌دانند، بلکه نرخی واگذاری (cession) قلمداد می‌کند که یک عمل حقوقی دیگر است [13: ص 10].
برخی از نویسندگان اصل مستند نیز اجازه را گرفته‌اند تا بیان منفعت‌بخش معنا کرده‌اند [۱۴۷، ص ۴۸۰]. مجله
الاحکام" هم در تعیین اجازه‌ای از لحاظ بیان استتفاهه کرده است: بیان المنفعت‌المعنی به‌معنی معلوم
همچنین ماده ۱۱۱ قانون مدنی آلمان قرارداد خدمات را به لحاظ بیان خدمات تعیین کرده؛ اما با این
حال با توجه به مطالب گذشته، این اطلاعات قابل انتقاد است.
بنابراین، از نظر عرف و در اصطلاح حقوق‌دانان و اقلیت، ادلیل و اجازه یاده و یا مقاطعه کاری از
یکدیگر مشابه است و تنها توانایی از لحاظ ساختارهای حقوقی را به چیزی نیگرانه کاری کاربردی عقیده بیان
برای نقل امتیازهای است و اجازه‌ای مقاطعه‌کاری برای انتقال منافع است.
با توجه به آنچه یکان شده، نخست به نظر می‌رسد تمیز میان میزان بیان بیع و مقاطعه‌کاری با توجه
به موضوع مورد عرض آسان است. اما این تصویر اولیه با مطالعات بیشتر از بین می‌رود. موارد فراوانی
وجود دارد که حقوق‌دانان در انتساب قرارداد به مقاطعه‌کاری با بیع دیگر اشاره دارند. برای تشخیص
می‌توان به این مصادر اشاره کرد: حالتی که شخص صاحب قرارداد، تعهد به ساخت چیزی برای بیگی
می‌کند و موارد نیز فراهم می‌کند سامان‌سازی که به سفارش فردی که ساخت کتابخانه‌ای یا
صنعتی و قسمی می‌کند قابل پذیرش که در استفاده دیگری قرار می‌گیرد اما یکدیگر نخواهد توجه
می‌کند. کارخانه‌ای که به سفارش مشتری اطلاع به ساخت اتومبیل و کشتی و هوایی می‌کند،
مقاطعه‌کاری که معنی ساخت خانه برای صاحبکار ممکن است مصادلس و تجهیزات را خود فراهم
می‌آورد. این نشان می‌دهد که انتساب قرارداد به موردی می‌تواند تأثیری بگیرد تا بر ارائه مزیت
می‌کند که به شخصی نپذیرفته می‌کند. در مصادری از این قبیل، شناخت طبیعت قرارداد و اعمال ترویج
یا اجازه اشخاص، مسئولیت به نظر می‌رسد، زیرا از سویی، عقیده متفاوت تندیل ملکیت امتیاز است و یا
سپری نیگر در برخورد به تجدید عامل.
بحث و تامل برای یافتن معیار مناسب تمیز بیان بیع و مقاطعه‌ای نوعی از امر باید در حقوق
مدني مطرح بوده و نظریه‌های مختلف در این باب ارائه گردیده که برخی از نظرها به تاریخ
پیوسته‌اند و برخی همچنان مطرح مستند.
به‌خاطر این معیارهای تمیز بیع و مقاطعه‌کاری به سه نوع بر حسب خارجی که متناقض در
مورد آن پایان یافته و ملحق به یکی از درگیر کرده شده است می‌گردند:
۱. اگر موارد و مصایل لازم کار به وسیله صلح‌بکار فراهم گردید و در اختیار سازندگان قرار گیرد، بدين.
تردید قرارداد. بیان نیست، چون مقاطعه‌کار فقط کار را انجام می‌دهد و اطلاع به انتقال عین کننک.
3. وقتی موضوع قرارداد تمایز یک شرکت متعلق به صاحبکار باشد، نیز مقاطعه از بیع ممکن می‌گردد. و بدون تردد قرارداد تابع قوانین مقاطعه کاری است، انتهای کرایه در صورتی که اعمال انجام شده به شکلی باشد که واژه تمایز در مورد آن صدق کند.

3. مراکز متعلق به صاحبکار، مسکن بنا به روحیه زمین متعلق به صاحبکار باشد قرارداد گنجان

مکانی که است. اما تردد زمانی رخصت داده که مواد و مصالح توزیع مقاطعه کار تهیه کردد. مثل

اینکه ساخت ساختنی از قرار هر متر صد و پنجاه هزار تومان به مقاطعه کاری سکره شود. در حقوق

فرانسه. این قرارداد را لازمه کار می‌دانند و حقوق‌هایی دو دلیل برای این تلقی خود گزاره می‌کنند:

اول اینکه به موجب قوانین این کشور، موادی که مقاطعه کار تهیه می‌شود و به تدریج در دستگاه متعلق به صاحبکار

نصب می‌کند. خودبودری گزارش داده بخاطر زمین و بدون آنکه به قرارداد بی‌پیا باشد، به مشتری صاحب زمین در

می‌آید (عقد) بلافاصله و رییس کار که می‌گوید و دوبله مالیتی و پولی (1970) ۱۵ ص ۱۷.

دوم اینکه وقتی مستاجر هم مواد را تهیه می‌کند و هم به ارائه کار می‌پردازد، تعهد اصلی تعهد

اجنام کار است و یعنی تعهد از نظر اقتصادی نسبت به تهیه مواد اولیه ترجیح داده (عقد) وی وی و

پولی و آرای مدنی مورخ ۱۸ آگوست ۱۹۱۱، ۱۷ ژانویه ۱۹۵۹، ۱۰ دوهم ۱۹۳۳، ۱۷ آگوست ۱۹۵۴,

۱۹۷۴) ۱۵ ص ۵.

در حقوق ایران به راحتی نمی‌توان در فرضی که مصالح توزیع مقاطعه کار تهیه می‌گردد.

خصوصاً زمانی که ارزش زمین بسیار کمتر از مصالح بکار برده باشد و مصالح قبیلی بیش از کار

ناشته باشد رفع تردد کردد. این موضوع در چگونه خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.

3. معیارهای تمایز

در باب کچرگی تنها ماهیت حقوقی قراردادی که مشتری بین بیع و مقاطعه کاری است، پنج نظریه

مطرح شده که بررسی آنها می‌پردازیم:

3. ۱- توجه به طرفی که مواد را ارائه می‌کند

نخستین معیار جدالی مقاطعه کاری از بیع که به روشین قسمت شده شده و مورد پذیرش

دستیابی از نوپشتگان قرار گرفته و آرای قدم معاون می‌شوند. بیان و آرای قدم هویتی که می‌شد

ندارد. در این صورت قرارداد اجبار است (عقد) ارائه، ژلیلوز، ریپر و بولانژ، بودری و لاکتیک و

۱۳۷
وال پالایش، و نیز یک رأی قاضی در مورد قرارداد ساخت کشتی (۱۵ ش ۱۳۸۸ ص ۳) در حقوق فرانسه و کشورهای بیرون آن، این قرارداد بر نوعی از "بعیض نشایی آینده" تحت عنوان "بعیض نشایی در حال ساخت" به شمار اورده ایم.

نیل بیروان این نظریه در حقوق فرانسه، مفهوم مختلف مافیه ۱۷۱۱ قانون مدنی این کشور انتقادات حاکی از آن است که اگر مواد توسط صنعتی که شرکت ممکن نیست و بعیض نشایی آیا وجود این قانون مدنی فرانسه در این مورد، وضع روشنی دارد و ماده ۲۷۸ قانون دیگر دارد، چون مطابق آن مفهوم بیشتر که در قانون مدنی مورد به فراموش نمی‌گذرد و مصالح کار تعهد کند.

در حقوق ایران، این قرارداد می‌تواند قرارداد پیش فروش (بعیض سلم) به حساب آید، البته در صورتی که مال فروخته شده ملکی باشد و هم معمولاً می‌تواند پیش فروش قرارداد گردد، ولی اگر مال این هنگام عقد پیش فروش تشکیل وضعیت از نظر ایکه ایا قرارداد نوعی بعیض نشایی یا کلی در دم‌های باهنر و یا یکی اکثریت مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی مورد به قرار می‌گیرد.

اگر مورد معامله آپارتمان باشد که پیش فروش گردد، در حقوق ایران، به دلیل آنکه آپارتمان از اموال قیمتی است و مورد معامله هنگام عقد موجود نیست، قابل انتقال به وسیله بيع نیست. در حقوق فرانسه، نیز لیسان اموال غیرمنتقل در حال ساخت منعقد و برخی از داده‌های داده‌ها به موجب قانون ۲ آبان ۱۹۷۷ تحت عنوان "بعیض مالک در حال ساخت" وضع شده است این قرارداد گرچه در حقوق ایران شرکت، بیش محسوب می‌شود، اما پاریس از اینکه قرارداد عقد نیز در دوره بیشاند از جمله ضرائع فرانسه به عنوان مفهومی که در قانون این کشور کششگر شده است. چنانچه قبل از شکستن شرکت در حقوق فرانسه در مورد بيع اموال غیرمنتقل، اکثریت بر این باورند که گرچه مصالح به کار رفته و کار انجام شده از ارزش یکسانی برخورد باشد، اما قرارداد، اجرای خدمات است، مگر آنکه مفهوم کار در عین حال مالک، مالکی که نیز باشد که در این صورت، قرارداد هموارد بیع خواهد بود. این بیع در صورتی که قبلاً از ایام این صورت که به دو نوع اصلی طبقه بندی می‌گردد

1. بيع وعده دار: در این نوع قرارداد مالک می‌کند ساختن هنگام اتمام ساخت خود اجرا و بدون آنکه به انجام جدیدی باشد به مشتری منتقل می‌شود (ماده ۱۲۰ آن قانون مدنی فرانسه).

1. vente de chose à fabriquer
2. في زمن عقد أنيقه موجود است منشأة م ké شود ر أنيقه ساحتهم ké شود به تجريح به ملكية منشأة دير دو منشأة م ké موقوف است ثم را القضاء بيردنادوا با يؤدآآ منشأة أخرى نفس. ملكية تتم به منشأة متقلة شود. في نوع أول، في اتحامات است ومنشأة باديد شن را بيردنادوا، أما في نوع دو، يردنادوا ثم نتوسط بتكمل است. (مانه 1-1211-1212 قانون مدنية فرنسا) [23 ص 142 - 148، ص 128، 15، 16، 17، 21، 22]، كما أن در اسار إمام تار، قرار باذان متققد شود، قرار باذان، في أموال غير متقلة، خواصو. (رأي ديوان مال فرنسا 12 نوفمبر 1967 و 7 مه 1968، 23).

3-۲۳: قنِّرْش عقود مربك از بيع و إجاره

بعضي من مؤلفين: في صورتي كه مواقف كه مقبلات كه تشي كه عقد را ترتيب كه از بيع و إجاره إحداث باستثناء: يعني في كي قراره، دو عقد دو كيفي كرجم جمع هذه است. يا بينين صورت كه إين نو عقد، عقد نايمين جديد را به وجود أوردو باشند يا أنهو كيفي عقد نايمين را بينين ترتيب مورود نمي. أنيه في عقد كي، في كي به عقد اتحام في كنارهم يا يكي به عيونا اصل و ديري به عيونا شرط مشين عقد كي كيفي كرجم شهدان. معتقدان به اين نظرية در دسسة أدن.

1. بعضي بيشةهد كردان كه نخست قواعد مقاطعات كاري اجرا كرد، و ١٣٢ اساتذة شوي و تحويل كار، قرار بيع اجرا كرد: يعني كي إينيا. قراره، مقاطعات كاري و سيبس بيع است (نظرية أوردو وور). في إين صورت كالي ساخته شهد به محض تمام شدن ساخت به ملكية صاحبكار در مي أ breach، نايمين، كي كن را لتلف كن دو بربر صاحبكار ضابط است شن صنعت块. و زي أكر كشي كنرا لتلف كن قاعده لتلف قبل از نبض را إنا إجاره في عيونا بينين، دو بربر صناع، ضابط است، زيرا صناع، دو بربر صاحبكار ضابط است و أحكام مقاطعات جاري است [17، ص 127].

2. في مقابل، كروفه إينيا قراره، دو بيع و سيبس مقاطعات مي اينان، يعني إينيا بيع كالي كيند صورت مي كرد و ١٣٢ اساتذة كاري ساخت كالي اجيرا مي كرد (عقيدة، بلاديول و ربري و رواست) [17، ص 24، ص 126-16، 15، 14، 13، 12]، إين بيدغاه إين جند نظر مورد انتقاد است.

1. دو طرف قراره، تنها يك عقد را به وجود أوردو، و يكي قصد و انتشا دهتنان، و تفقيدون عقد و يكي بيع و اجاره. برخلاف إراده متعاونين است و أكر منظرته أن باشند كه عقد، إينيا مقاطعه است. أما ١٣٢ اسوات، علمانيي عقد، يك به متقلب مي كرد وليز نيا نظر جاوي في تقدئة، نيبست، زيرا ظهير عقد، هم转 ان انتقاد أن معين مي كرد، و ميغاش اجرا يك عقد نمي تواعد باعث تغيير ماهيت آن كرد،
2. کاهی ارزش موارد و مصالح به کار گرفته شده در برابر ارزش کار انجام گرفته بر روی مواد بسیار اندک است. مانند آن‌که مجسمه‌سازان فن مجسمه‌رانی تهیه کنند یا مقاطع کاری مقدار اندازی آزمایش را خود فرآهم کنند که در این موارد، صرف تهیه مواد نمی‌تواند عده‌ای از صفات مقاطع کاری بودن یا صرف تهیه نیازی دیگر برای دیگر کارکردها کنده. در مقابل، برخی اوقات ارزش مواد به‌کار گرفته بسیار بیش از کار انجام شده است و یا کار انجامی بر روی مواد جریان گرفته است.

3. اشکال دیگری این تقسیم بندی آن است که با این معيار سرشار معلوم نیست در مواقع ترکیبی باد. قواعد بیع اجرای کردن و یا قواعد اجرای اشخاص؟

4. همچنین در حقوق فرانسه این اشکال مطرح شده که این نظریه با مواد 1867 و 1288 قانون همین فرانسه که کار انجام شده بر روی شیء تهیه شده توسط کارکرده را ذکر کرده را در چارچوب اجرا در خدمات قراردادن، نامه‌نگاری، است. گرهی با مقام مخالف ماده 1211 سازگاری بین نظر می‌رسد [15] ماده 1287 مقرر کرده: «در موردی که کارکرگ مصالح را تأمین می‌کند، جنایه شیء به هر ترتیب پیش از تحول ثلب گردید به عهده کارکر است»، مکان‌آن کارفرما در تحولی گرفته شیء ساخته‌شده تأخیر کرده باشد (الین حکم در قوانین مدنی کشورهای تابع حقوق فرانسه نیز تکرار شده است).

5. ایراد مهم دیگر این نظریه مربوط به ضرورت «عقد مختلط» یا «مرکب» است. بعضاً از حقوقدانان فرانسوی، دسته‌ای از عقود را به عنوان عقود مختلط و یا مربوط معرفی کرده‌اند. مانند قرارداد کتاب که شامل کتاب کتاب و خدمات مربوط و خدمات مربوط به کتاب تصمیم و انتشار است یا قرارداد اقامت در هتل که شامل اجاره اقامت و ارزام مربوط و خدمات مربوط به کتاب تصمیم و انتشار است و ارتباط در طبق قانون آن است. گروهی این عقود را نوعی عقد تأمین می‌دانند که دارای قواعد خاص خود است در مقابل، دسته‌ای آن را آزمایش از عقود معین می‌دانند و در هر مورد قواعد خاص مربوط عقد را جاری می‌دانند. (مازی، رپور و بولاندره) [16، ص 161، ص 164، ص 163، ص 165]

با وجود این، در اطلاع عنوان عقد مختلط به عنوان یک عقد واحد و مربوط از جنده عقد برای مثال از دیدگاه یکی عقد، ترکیب وجود دارد و اینکه عقد چنین عقدی نمی‌تواند با مقررات کلی مربوط به قراردادها و تحمل حقوقی در ساختار حقوق ایران و فرانسه سازگار باشد. به

1. contrat complexe, contrat mélange
کفته دکتر شهدی، عقد مانند تخم مرغ: شکر و آرد نیست که بتوان آنها را در هم آمیخت و
از مخلوط کردن آنها چیزی جدید به وجود آورده [1876، ش 396 ص 116]. در این موارد، چند
عقد با چند ماهیت جداگانه ایجاد می‌شود، نه یک عقد مخلوط. البته در حقوق ایران می‌توان
یکی از قراردادها را که جنبه اصلی دارد به عنوان قرارداد اصلی و سایر موارد را به عنوان
شرط ضمین عقد در نظر گرفت. مثالاً در قرارداد ترابری به هتل، عقد اصلی، اجاره مسکن
است و ارائه خدمات و ودیعه و... شرط ضمین عقد تلقی می‌گردد.

دکتر کاتوزیان با استناد به نظر دموکریت و پلیتیک و دیگر با نظر فرق مختلف است [207، ج
1 ش شاه‌نامه] ایجاد: در مورد این عقد، به حالات مختلف افراد می‌گویند: حالت اول، آن است که
متعادلوندند قصد عقد مستقلی داشته باشند که در این صورت، عقد مختلط را ریزه می‌یابد و معتقد است
عقد را وجود آمد که وجود مستقل از آزاد متولد است آرا دارد و آن را یا حواله که مخلوطی از انتقال دین و
طلی است و یا مضارعه که مخلوطی از شرکت و جعله و اجاره است. متانوت می‌داند. در چنین
حالتی، قواعد اختصاصی هر کدام از هر چند جزء انجام می‌شود. بلکه قواعد عمومی معاملات به
عنوان احکام عقد نامیشین اجرای می‌گردد. حالات دوم، زمانی است که متعادلوندند با یک انشا قصد
ایجاد: حاکی. عقد مستقل داشته باشند: مانند: زمانی که ایجاد کننده پیوند، «کننده را رئوفیکت و مائین، را
اجاره دارد و خورده هم مکلف به راندن آن هستم». در اینجا، قواعد هر عقد معین در جای خود
افرجام‌شود و یا کرکان از قراردادها جنبه اجرایی را داشته و تعهد اصلی محصول شد، پیدا آن را
برتری دارد، مانند: هر فردی از خدمات شرکت‌های تلفن و رانندگان خود را در آن، اجاره خدمات
بر اجرای این برترا می‌دارد.

در نهایت تحلیلها به نظر می‌رسد این قراردادها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته
اول، قراردادهایی که در آنها جزئی دال بر قصد دو عقد بیع و اجاره وجود داشته باشد. مثالاً
در ضمن قرارداد، طرفین مقدار و کیفیت مواد را دقیقاً تعیین و به‌های مستقل برای مواد تعیین
کرده باشند. در چنین صورتی باید قرارداد را به دو عقد بیع و اجاره تحلیل کرد که هر یک
قواعد اختصاصی خود را خواهد داشت. برخی یافته‌ها نیز از قراردادهای تحلیل، کمک‌کننده عقد واحد دیده
می‌شود که نوعی عقد اکثر به صورت شرط ضمین عقد در آن گنجانده شده است. در این
صورت نیز باید عقد را به عقد اصلی و شرط ضمین آن تحلیل کرد و شرط، ممکن است، شرط
نتیجه یا شرط فعل باشد. شناختن این نوع قراردادها بسیاری از پیشانی‌کاری‌های است که در
پایه‌سازی‌های سازمانی روابط دارد. امروزه در بسیاری از قراردادهای مقاطعه‌هایی، نوع و
کیفیت مواد به نحو دقیق تعیین می‌گردد و مقدار موادی که باید بر هر واحد باکتری رود با استفاده از اصول مهندسی مکانیک است. با در نظر گرفتن عوامل که با تغییرات محیطی مواد برای مواد به دست آمده رفته را از جمله می‌کنند. در بعضی از فرآیندهای نیز مقادیر که به عوامل شاخصه صاحبکار و به حساب اسان افراد به خرد موارد تابعه و تجهیزات مورد تیزی پس از کسب تأیید می‌کنند.

نسته دوم، قراردادهای است که بر آنها قرارداد برای نشان‌دادن قصد متعلقات شیبی به انتخاب دو عقد جدایی‌کننده. یا یک عقد اصلی و یک عقد بایش و دو عقد با قصد به مقادیر و یک رای به یک مقادیری که به‌رغم باشند که هم‌زمان با انتقال اعیان و هم‌زمان تقسیم‌بندی آرا کار کارکرد. در جنگی و نهایت در پایان تاریخ برآورده نیز به‌رغم تحقیق که با آن آن را عقیده جدایان و نامه‌بانان مانند آن میان، راه‌پیمایی از لحاظ حساس است. زیرا در این معاملات، متعلقات عناوین جامعه‌ای را به نحو وحشت مطلق قصد کرده‌اند که دارای آثار عقود مختلف است به نحوی که نمی‌توان یکی را رایگان و ضمن نیگری قرارداد.

زمانی که متعلقات یک عقد، واحد و رایج در هر تجارت را فرض کرده‌اند که دارای آثار معنی‌داری است نمی‌توان آن عقد را به عوامل متغیر محلی که ممکن می‌توان که فقهی، دیل قاعدته قطعی،" عقد به‌گذاره، نمی‌توان یک عقد را به عوامل متغیر محلی کمک کرد، مثلالی بین آن جهت که مالک، عین و متغیر را در به دادار به دو عقد بیع و اجازه تحمل کرد با نمی‌توان مضاریب را به عقد ویژه و شرکت و اجازه اعمال تشکیل کرده و منقلین یک عقد با چند عقد بیع تشکیل کرد [۲۴۷ ص ۷۹۷، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷]. شباهت داده می‌کنیم: "عقد مربوط از عقود دو عدد که هر که لازم عقد است و در غیر این حالت به ویژه و عقد ویژه و عقد اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، اجازه، ا negocio
پیمان‌کاری چنان قرارداد پیچیده‌ای باشد که نمی‌توان آنها را به‌کار گرفت. بنابراین، در هر مورد باید تفاوت انجام شده را دقیقاً مورد بررسی قرار داد و یا توجه به شواهد و قرآن‌طلب قدم را مشخص ساخت.

در فقه امامت‌های، همیشه بحث شده‌است که این اشخاصی که مصداقی طرف نیستند، می‌توانند در بحث این مسأله کارسازی یا نکارسازی یا اخلاقی یا این و یا این را با اجبار به اجبارهای شخصی منتسب سازند و به سایر جنبه‌ها وصف فریعی به‌هنه‌اکنگ اینهمکاران اشتراب شده تا اینکه ایمان روی متفق عرفی از نیک اقتدا و ماهیت عقد را اجباره اشکال مصرفی کنند. [ماصبت ۱۵۵۰۱۲۷] مرجوه شیخ محمد حسن سامانی نیز در حاشیه مکاپی شیخ انصاری، ضمن بحث این‌هم‌ارکان، انقلاب به‌هنه‌های از لحاظ نظری، مانند در انحصار عقد به دو عقد، مجاوتان تنیده، اما در بررسی مصداقی، این نظریه را در کردند و مالاً پیمان عقودی را به یک عقد اجباره هفتما با هر ظرف ضمین عقد تحلیل کردند است [ماصبت ۲۷۷۵۲۷۲۷].

درت در مصداقی باید شده، درستی نظر فوقها را در تحلیل و همین مصداقی به اشکال مشابه، اما اینهمکاران که شد از لحاظ نظری مانند وجود ندارد که بحثی از اینها مشتی قراردادهای پیمان‌کاری را که آمیزه‌ای از تعدادی از عقود، با آثاری ورود باشد به عقد نامعین تحلیل کنیم.

۳-۳۲: همساز قرارداد، مقاطعه کاری محسوب گردند

نظریه دیگری که در حقوق فرانسه با توجه به موارد ۱۷۸۷ و ۱۷۸۸ قانون مدیری طرح کرده آن است که قراردادهای، حتی در صورتی که مقاطعه کاری موارد را فراهم کند، مقاطعه کاری است و موارد، فرع عمل است. اینکه یک فرم صرفاً سرانجام مالک آنها مقاطعه کاری‌ای می‌سازند می‌گردد، نتیجه ضروری ایجاد مقاطعه‌کاری به ساختن چیزی به حساب صاحبکار است و ایرانی ندارد که عقد مقاطعه کاری که وارد می‌شود به اجبار فرم‌ی، نتیجه تمدید ایمان نیز داشته باشد. به این ترتیب ایمان، مقاطعه کاری را از وصف مقاطعه به بیبع تغییر نمی‌دهد، اجباره اشخاص می‌توانند
علاوه بر تعمیق به عمل دربردارنده تمیزی نیز باشد [۷۷ ص. ۱۲۷-۱۲۶، ص. ۱۲۴] و آن فراوان، حاصل قاعده قدمی "الفرزی نتیجه" است.

۳-۴. توجه به قصد متعارف

معیار دیگری که برای تعبیه معیارهای مثبت و بیان مطرح شده ترجمه به قصد متعارف است، اگر قصد مشترک فقط دریافت نتیجه کار باشد، قرارداد بیع است. اما اگر مشترک از سازندگان باخواند تا برای آن عملکرد و سلیقه او کاری را به انجام بررسی قرارداد مفاهیمی است. بنابراین، در مورد سفارش محصولاتی که به طور سری ساخته می‌شوند، قرارداد بیع است. اما در محصولاتی که به سفارش و به نحو اختصاصی و تحت میل و سلیقه مشترک تهیه می‌گردد، قرارداد تبیین به مفاهیمی می‌گردد [۷۷ ص. ۱۲۵].

این معیار، با همان دگرخت کافی است به نظر نمی‌رسد، زیرا مشخص نمی‌کند در چه زمانی می‌توانند قصد مشترک دریافت اثر و یا کار است.

۳-۵. معیار اقتصادی

این معیار توسط دیوان تمیزی فرانسه مطرح شده و مبنای آن توجه به ارزش اقتصادی موارد و کار است. اگر ارزش مواد که ساختگر تهیه می‌کند بخش از ارزش کار انجام شده بر روی مواد باشد، قرارداد بیع خواهد بود. ولی اگر ارزش کار بیش از مواد اولیه باشد، قرارداد مقاطعه محسوب می‌گردد. مانند آنچه یک نقاش، رنگ و بوم کار خود را شخصاً تهیه کند یا خیاط به نی و نمکی لباس را از مال خود بکنند. در محاکم فرانسه، آرای متعددی این نظر را تأیید کرده است (آرای دیوان عالی فرانسه اول اورت ۱۷۶۰، دادگاه تجاری ۲ خرداد ۱۷۷۴، ۲۷ خرداد ۱۷۷۴، ۷ زیلوئیه ۱۷۷۹، نامه‌ی ۳۰ آوریل ۱۷۸۳ [۷۷ ص. ۱۲۶، ۱۲۷].)

این معیار را می‌توان به این نحو اصلاح کرد که ارزش اقتصادی کار یا مواد، نشانگر هدف اصلی در قرارداد است و بنابراین می‌توان گفت باشد به "تعهد اصلی و عمد" قرارداد توجه کرد. اگر قسمت عمد تعهد طرفی که کالا را تهیه می‌کند از علل عمل باشد، قرارداد مقاطعه است. ولی اگر تعهد اصلی، ناظر بر عمل نباشد، قرارداد، بیع محسوب می‌شود. این معیار در اصل سوم کانونیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ بین به عنوان یکی از معیارهای اساسی مطرح گردیده است. متن این اصل چنین است:
قرار دادهایی منعقد به منظور تبیین و تدارک کالایی که باید ساختمان برای توافق شوند به‌طور محسوس ماشین‌شناسی اینگونه سنگین‌گیری خود را به‌طور کامل انجام می‌دهد. این کنوانسیون‌ها در مورد قراردادهایی که در آنها قسمت اعظم تعهدات طرفی که داخل آنها را می‌کنند تجزیه و تحلیل کاری تا خدمات دیگر باشد اعمال نمی‌کنند (۸۸ صفحه ۲۴–۲۳). شاید ذکر است این کنوانسیون‌ها در ۷ زبان اصلی معترض است و در نسخه عربی آن عبارت: «عقد تؤتودی آمده است (تشخیص بیوع عقود التوییدی) که من‌هی‌واً موضوع صنف وضعیت انتخابی...».

همه‌نی‌ین در آرای محاکم مصر و لبنان، نمونه‌ای از آن‌ها از اعمال این معیار وجود دارد و حقوق‌دانان عرب بی‌این معیار را مورد پذیرش قراردادهای (آرای دادگاه می‌تواند لبنان مورخ ۱۹۶۲/۸/۲۸ صفحه ۲۴–۲۳، صفحه ۲۴–۲۳، ۲۴/۳، صفحه ۲۴–۲۳) اینست. اعتقاد ماند سفارش خود را کشتی‌های واقعی و تحویل‌رسان این عقد بی‌این معیاری است (تشخیص بیوع عقود التوییدی) این نوع بیع را بیع عهده‌توصیف می‌کند (۸ صفحه ۱۷–۱۶).

این نظریه در آرای دادگاه مورخ ۲۸/۳/۲۴ قانون موجبات و عقود لبنانی ۲۸/۳/۲۴ قانون مورد متابعت قرار گرفته که چنین مقرر کرده است: «...اذا كانت المواد التي يقدمها الصانع هي الموضوع الأصلي في العقد ولم يكن العمل اللازمة فكان هناك بيع لا استعانة».

اگرچه توجه به تعهد اصلی و هدف اصلی قرارداد در بیشتر موارد در تمیز طبیعت حقوقی قرارداد سوئیسی است، اما تاریخ‌های این نظریه زمانی بروز می‌کند که نمونه‌ای تعهد غالب را تشخیص داده و یا هر دو تعهد به یک لنداره از اهمیت برجستن باشد. همین اشکال به تقریب نخست این نظریه هم وارد است. زمانی که مصالح به کار رفته و کار از ارزش یکسانی برجسته باشد، نمی‌توانید عقد را به یکی از دو سمت کرایش داد. بعضی در این معیار فرضی عقد مخلوط»، را مطرح ساخته‌اند که این نظریه از بیع و مقاطعه است. حال عده‌ای این عقد را ترکیب دو عقد می‌دانند که در یکی‌گر مزج داده و هر یک‌گر قواعد اختصاصی خود را دارد و بعضی، مانند نظریه قبل، آن را عقد مربوط می‌دانند (۱۷ صفحه ۲۰–۲۰، صفحه ۲۰–۲۰، صفحه ۲۷–۲۷، صفحه ۲۷–۲۷، صفحه ۲۷–۲۷). بیشتر توسیع‌گذاری که در این زمینه اظهار نظر کرده، اظهاری اول را پذیرفتند. تعدادی از مصاحبه مشتمله را می‌توان در قراردادهای خدمات بعد از فروش، تعمیر و تکذیر کردن، آبسانی، سرویس غذا، کارگران و تامین مواد اولیه ملاحظه کرد.
در بررسی میزان ارزشی‌سازی شدید تریال روند شد که اگر بتوان قصد و هدف اصلی طرفین از معامله را تشخیص داد باعث می‌گردد. این تعیین می‌تواند توصیف کرده و به سایر جنبه‌های قرارداد جنبه‌های فرعي و تبعی داد و شاخصی نبسته یک عقد را به دو عقد جداگانه بیان و مقاطعه‌کاری یا یک عقد مرکب از این دو عقد تحلیل کرد. اگر شناخت تعامل اصلی در قرارداد دشوار باشد یا آن‌ها اهمیت دو تعدد یا دو اثر عقد هستند باشد، در این صورت باعث می‌گردد یا به یک از عقواب سیاست‌های تحلیل کرد و میزانی دیگر مانند آن‌ها هم‌سرای قرارداد را به کمک معقد تعیین شود. در تصمیم‌گیری بر مبنای شرایط معقد در این قرارداد جنبه فرعی داشته باشد. همچنین میزانی که براساس هدف مشتری به طبقی‌بندی قرارداد برخاست ناگفته بود، زیرا باز تعهد اصلی را نادیده گرفته است. همچنین میزان انتصادی نیز نمی‌توانست میزانی در عقد باشد. زیرا که هنگام تصمیم‌گیری هر یک از کارها اعضا به نظر می‌رسد باعث شناخت تعامل اصلی طرفین است.

- برخی از فایده‌های تنیز بین بیع و مقاطعه کاری

شناخته شدن قرارداد به عنوان بیع یا مقاطعه‌کاری تأثیرات زیادی به دنبال خواهد ناشت؛ زیرا موضوع، آثار، اجلاس و ضمانت‌های این دو قرارداد با یکدیگر متفاوت است. با توجه به نسبت وسیع تفاوت‌ها، بیان فردی رمزنگری، نیاز به تفصیل چندانی ندارد. در زیر به مهمترین فایده‌های تنیز اشاره می‌شود:

1. تعدادی اجلاس خاص در بیع وجود دارد که در عقود دیگر نیست که برای نمونه می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

الف) مطابق قانون مدنی ایران بیفک از انتخاب کرده مبانی تعیین جنجالی مجلس، خیار تأخیر شن و حیوان، به به اختصاص دارد و در ذیل معاوضات اجرای می‌شود. در خیاری‌های نیز امکان دریافت ارزش توسط ذیل متعادلی تنها به به اختصاص دارد، زیرا ارتش مبانی تعیین دارد.

ب) در عقود بیع، قاعدتاً اجرای تلف قبل از قبض اجرا می‌شود و اگر این قاعدتا را یک قاعدتا استثنایی بدانیم تنی‌توان آن را به سایر عقود تعمیم داد. بنابراین در قراردادی مبانی بیع یا مقاطعه‌کاری تنی‌توان با استناد به قاعدتا تلف قبل از قبض، عقد را قبض کرده. هرچند در این قراردادها تنی موضوع باید بطلان قرارداد به دلیل فقدان موضوع می‌گردد.
ج) عقد بيع. يبيع را ضمان درک مبيع و مشتری را ضمان درک بعث شن می‌کند. «ضمان درکه در مواد ۲۹۶۳ قانون مدنی به عنوان "آثار بيع" بین شده و تعیین آن به عقد اجاره یا مقاطعه‌کاری در حالی که اجرت عین معین باشد محل ترید است. 

د) قاعدة "تلف در زمان خیار" تنها به بيع اختصاص دارد و در قرارداد مقاطعه‌کاری اجرا نمی‌شود. مطباق ماده ۱۴ قانون مدنی به عقد بيع اگر مبيع بعد از تسليم در زمان خیار باید باعین باعین شود. مطباق ماده ۱۴ قانون مدنی در قرارداد مشتری اگر خیار خاص مشتری باشد، تلفنی بیان ماده با استیضاح بیان ماده بین مبانی روابط است که در آن تنها سخن از بيع رفت است، در دیگر عقود اجرا نمی‌شود.

ه) بيع "کالی" به کالی" یا "دین به دین" از نظر بیشتر فقها مشمول نهی بیامغ (س) و باطل است [۲۹۶۳ ص ۲۳۳، ۱۴۳ ح ۱۱۴ ص ۱۲۰، ۱۳۶ ح ۱۲۰ ص ۱۲۰، ۱۳۶ ح ۱۲۰ ج ۱۲۰ ص ۱۲۰، ۱۳۶ ح ۱۲۰ ص ۱۲۰] و بنابراین اگر قراردادهای ماده ۱۴ قانون مبتنی بیشتر فرق شناسی به سفارش ساخته در قابل عقد یک معقد گردید، در صورتی که بیان می‌داشد بیان عقد باطل است، لکن اگر یک قرارداد باعین بیع معقد شود، بلکه نوعی مقاطعه‌کاری به شمار آید به واسطه مثبت بیانها باطل نمی‌گردد. باطل نمی‌گردد. هر چند با بابت بیشتر در منابع فقهی معلوم می‌گردند روابط ذیل بیامغ (س) از بیان کالی به کالی از طریق معترف امامیه وارد نشده است. آنچه در منابع شیعه ذکر شده‌های از بیع بین نیست و منظور از این روابط آن است که شن معامله نباید بیش از انجام معامله دیه بیان داشته که بایع یا عده مشتری باشد است. نیاز به بیان رابط اساسی صحت بیان سلف می‌باشد. دلیل مهم بیان آن گرورا، اصل چهارم قانون اساسی است که موازین اسلامی را بر همه قوانین حاکم کرده است و قانون مدنی است که در ماده ۱۳۷۳ آن "بیع‌هایی که قبیح در آن شرط صحبت است" یاد بیع صرف را به عنوان شرطی ذکر می‌کند [۲۹۶۳ ص ۱۳۷۳، ۱۳۷۳].

۲. مبيع یا مص.failed. از عقد بيع باید کمالاً معین باید، اما در اجاره، منفعت کمالاً معین تملک می‌کرد. مانند استفاده از حمام که فقاها کفتاند اگر بيع باشد بیان باشد. صحتی است: چون تعیین دقیق منافع در لازم نیست. در حقوق خارجی نیز تعیین دقیق مبنی در بيع بیان است. اما در عقود مامت‌کاری لازم نیست [۲۹۶۳ ص ۱۳۷۳، ۱۳۷۳] فقاها نزهوم معلوم کردند مورد معامله وا در عقد بيع به روابط ذیل بیامغ (س) از بيع غریب مستند می‌سازند. سنایران هنگام تریدر در مشروط بودن انواع معلومیت به پروفسور، لغوی در مفهوم غرر استناد
کردن‌داد: اما در سایر عقود شرط معلوم پرونی مورد معامله امکان عقلانی است. در قرارداد اجبار اشخاص و مکاتبه‌کناری معلومیت اعمالی کافی است و بنابراین هنیم که برای تعیین یا بهای آن باید نسبت در نظر گرفته شود قرارداد صحیح است. از این رو شناختی قرارداد به عنوان مکاتبه‌کناری امکان بیشتری را برای استفاده از انتظار روش‌های امروزی تعیین مقدار تعیین یا بالا برای می‌آورد. از این قبیل قراردادها می‌توان به قراردادهای پیمانکاری به بهای تمام شده همراه با درصد بالای یا قرارداد به قیمت تمام شده با محاسبه موارد و کار انجام شده اشاره کرد که در عرف روابط پیمانکاری معمول است.

مطالب قرارداد شرطه فیزیک (نادیروزی) در مدل مهندسی مشاور (تیم) قرارداد باز

۱. اگر اینجا مکاتبه‌کناری ۲۷۳۳ میلادی ۱۶۱۳ به مشتری درست کرده می‌گردد. جانشینه تعهد او به این حصول تبیده و باشند. عقد اجباری نسبت به ما قبل صبح است. اما نسبت به باقی مدت باطل می‌گردد: لکن اما در بیان، اگر مکاتبه‌کناری از بیش تصمیم نگردید خیال تبییض صفحه نسبت به همه بیع است. اگر هم عقد را عقد مختلط بنامی و بگوید ابتدا بیع و سپس اجبار است، کارهای انجام شده بر روی عین به تریف در مکت مشتری وارد می‌شود و اگر اگر قبل از اتمام کار کالا تلف شود مشتری حقی نخواهد داشت: ولی اگر اجباره را مقدم بازار و بگویم اجیر، یک از انجام کار، حاصل کار را به مشتری تملیک می‌کنید. جانشینه‌کالا تلف از تسهیل می‌شود.

تلف بیع قبل از قیمت از مال باید است و بنابراین، باید حقی نسبت به تن نظارت داشته.

۳. در بیان، مشتری تبیده به میزان حق عینی بیجا می‌کند. اما در اجبار اشخاص و مکاتبه‌کناری حق دلتی انجام می‌شود. از آن این طرف املاک و نیروی آن همانند قرارداد مشتری شده است. اما هنوز ندید صمیمی که این عنوان، طبق طلب طلبکاری که از سازندگان، طلب دارد توافق کرده، اما اگر قرارداد اجبار باشد، کالایی ساخته شده می‌باشد. در مکت می‌تواند به عنوان ویژه توافقی شریف، ۱۵۰۰ به ۱۵۰۰ میلیون اگر حق عینی برای مشتری پذیرد. آمده باید سازند، حق فروش کالا پس از ساخته را ندارد و عامل‌های معارض او باطل است.

اثر دیگر آن است که اگر قرارداد بیع باشد منافع حاصل از موضوع معامله که تا زمان تحویل

1. cost-plus
سفرشانه حاصل می‌شود از آن مشتری است. اما اگر قرارداد مقاطعه‌کاری باشد، منافع و بهره‌برداری‌هایی که از موضوع مورد تعهد صورت می‌گیرد تا زمان تحول آن به صاحبکار
از آن متوقف است، مگر آنکه در قرارداد به نحو نیکی توافق شده باشد.

5 ضمانت و چنین خسارتی در بیع و مقاطعه کاری به حقوق کوششی مختلف متقابل
است: اما در اکثر نظامهای حقوقی بسیار زیاد این قراردادها نوع خاصی ضمان و چنین
خسارت به حقوقی شده که از دیگری متقابل است. همچنین قرارداد بیع در مقاطعه کاری با قرارداد
بیع در مورد بیع کالا ساخته شده متقابل است.

6 از نظر قواعد بیع بین المنلی کالا جنایه قرارداد، بیع محسوب شود، تابع گوناگون
بیع بین المنلی کالا است، اما اگر قرارداد خدمت یا مقاطعه‌کاری محسوب شود، بیع تیمین
آثار قرارداد و شرایط آن نمی‌توان از این گوناگون استفاده کرد. بلکه باید به قواعد کلی
مقاصله‌کاری رجوع کرد. باید نموده در مورد واگذاری مصنوعات آینده کفته شده که با
علت به سواد کانوایسون، این قرارداد بیع است. اما قرارداد تأمین علا و رستوران یا هتل
ویا قرارداد تغییر جیوهات بیع نیست [۱۴].

7 در قوانین بین‌المللی این چیز را کمک کنند، فروش کالا هاپی بخصوص، مانند اعضای دین، به دلیل
عدم مالیت یا مخالفت با نظام عمومی مصون شرکت شده است: اما واقعی این قبل
موضوعات به عنوان خدمت یا لیز یا خدمات جایی است. باید مثال در آمریکا قانون ملی
پرونده اعضای ۱۹۸۹ بیع اعضای انسان و مصوب علاهم کرد و این باعث مطرح شده که آیا
انتقال خون یا بدن می‌تواند به جای بیع نوعی قرارداد خدمت شرکت شده از شمول قانون
خارج شود؟ در برخی از ایالات کری‌پسیان این با انگار میلیون یا با استفاده به اینه بی‌عنصر
غالب در این قرارداد خدمت است، آن را نوعی و اکثری خدمت تلقی کند [۳۲، ش۲۵،۷۴۳].

8 اگر قرارداد بیع محسوب شود با مرکب بیع پایان نمی‌گیرد، اما بر صورتی که قرارداد
مقاصله‌کاری یا اجاره اشخاص به مسار آید و در آن شخصیت مصون شده که تنها باشد (جیره خاص) با
مرکب مقاطعه‌کاری پایان می‌یابد.

9 اگر در قرارداد مقاطعه کاری، خدمت به دولت ارائه شود، تابع شرایط عمومی پیمان
است، اما اگر بیع محسوب شود، تابع قواعد ویژه دیگری است که در خریدهای دولت مراحل
۵-نتایج گیری

۱. در حقوق مدنی ایران اگر قراردادهای مقاطعه کاری تحت عنوان اجبار اشخاص قرار می‌گیرد.

۲. تفاوت بین قرارداد مقاطعه کاری و بیع یا جهت آثار حقوقی که از هر یک از این دو قرارداد می‌شود اهمیت دارد.

۳. با توجه به دلایل حقوقی و منابع فقهی نخستین معیار مهم تمایز میان بیع و مقاطعه کاری، توجه به موضوع عقد است. موضوع بیع عین است. اما موضوع مقاطعه کاری عمل است.

۴. در قراردادهای مقاطعه کاری اگر مصالح کار توسط صاحب‌کار فراهم گردند، یا اگر قرارداد تمایل یک شیء متعلق به صاحب‌کار باشد یا آنکه موضوع قرارداد، ساخت‌باش با روی زمین صاحب‌کار باشد و مصالح توسط صاحب‌کار فراهم گردید، بدون تردد باید قرارداد را مقاطعه کاری به شمار آورد.

۵. حقوق‌دانان برای تمیز میان دو قرارداد بیع و مقاطعه کاری در حالتهای تردیدی (زمانی که موارد توسط مقاطعه کار فراهم گردید)، دینی معیار را نکرده‌اند که از آن قرار است: (الف) قرارداد به عنوان بیع توصیف می‌گردد.

(ب) قرارداد به عنوان یک عقد مربوط از بیع و اجباره اشخاص فرض می‌شود.

(ج) هم‌و هم‌وقت قرارداد به عنوان مقاطعه کاری محصول می‌شود.

(د) اگر مصوب با سفارش و به نحو خاص، به لزوم رعایت دستورات مشتری به مورد نحوه و روش‌های کار باشد، قرارداد مقاطعه است، اما اگر محصول به صورت سری ساخته شود قرارداد بیع است.
هـ) اگر ارتش اقتصادي کار از مواد بیشتر باشد قرارداد مقاطعه است و در غیر این صورت بیع است.

6- به نظر مرسد در مصاديق مورد ترتیب نخست باید به تحليل قصد طرفين پرداخت.
گاه طرفين قصد ايجاد دو عقد جداگانه بيع و اجاره و در این حالت ثابت و گاه میخواهند یکی از دو عقد را به عنوان عقد اصلی و عقد دیگری را به عنوان شرط ضمن آن قرار دهند؛ بعضی میتوان تعهدات طرفین را به تعهد اصلی و فرو رفت قسم میکرد. در این صورت باید قرارداد را مطالب با همین قصد تحلیل کرد. اما در بعضی از موارد قرارداد برای تحلیل قصد طرفین وجود ندارد و تجارت عقد را به عنوان دو عقد جداگانه با عقد اصلی و ثبیت توصیف کرد. در این موارد باید عقد را عقد نامنی محصور کرد.

7- سایر مواردهاي نکشانده، در یک دارایی کاستهایی است. از جمله: مغایرت با قصد طرفین، مشکل پذیرش عقود، مربک، اشکال تحلیل یک عقد به دو عقد، و باقی گذاردن مشکل در حالتی که تجزی قصد اصلی طرفین و تعهد اصلی دو عقد باشد. از این رو گزینش به معیار فوق منطقی است.

6- منابع

[1] كانونوزيان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، ج.6، تهران، بهنری، 1376.
[5] خویی، امیرالاسلام، مبانی حقوق جنوبی، مطبوعات مرجعی، 1370 هـ. ق.
[8] صاحب جواد، محمدحسن، خدمات کلام، تهران، اسلامیه، 1365.
[10] حرامی، سید محمد، چاپ اسلامیه، 1364 هـ. ق.
[12] خویی، امیرالاسلام، مبانی حقوق جنوبی، چاپ هیئت مدرسین، 1370.


[18] شهیدی، مهدی، تشکیل ترکیبات و تعهدات، تهران، نشر حقوق، 1372.

[19] العوجی، مصطفی، القانون المدني، الجزء الأول (العقد)، دیپنسر، مؤسسه محسون، 1396.

[20] کاتوريانی، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، پنوس، 1364.


[22] مراغی، مهرقاتح حسینی، عناوین الاصول، تهران، چاپ سنگی، پناه.

[23] بیجوری، محمد حسن، التواعد الفقهیة، نجف، 1391 هـ، ق.


[26] طباطبایی پژدی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، قم، اسلامیان، 1372 هـ، ق.

[27] مامقاشی، محمد حسن، غایة الأمر، تهران، چاپ سنگی، 1366 هـ، ق.

[28] بیانکارنیل، تفسیری در حقوق بیع، پناه، ترجمه دکتر مهراب دارابی پور، تهران، گنج، 1374 هـ.

[29] بیهقی، محمد بیج حسین، الویسن الکبری، بيروت، دارالمعه، پناه.


[31] مرادی، علی اصغر(گروه‌نام)، سلسلة الاصول، تهران، چاپ سنگی، 1360 هـ.

[32] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، گنج، ناش، 1372 هـ.


[34] www.cga.statue.ct.us - ercap.org/ order,